

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه : مستشاری، علیرضا، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام بیداور : سر پوشش / نویسنده علی‌رضا مستشاری ؛
[به سفارش] معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
فروست : رهنما؛ ۹۷.

شابک : 978-600-299-080-8

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : واژه‌نامه .

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : حجاب -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع : حجاب -- احادیث

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی . معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP/۲۳۰/۱۳۹۱۱۷/۴س۵۲م/

رده بندی دیویی : ۶۳۶/۳۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۵۴۶۲۱



۹۷ → سر پوشش

نویسنده: علی‌رضا مستشاری

آستان قدس رضوی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام‌رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمد مهدی باقری

طراح جلد: علی بیات

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی



پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش‌رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





سرپوشش

پاسخ به هفت پرسش زیر انگیزه قلمزدن و انتشار این کتابچه است:

۱. فلسفه حجاب زنان چیست؟
۲. آیا درباره حجاب و پوشاندن موی زنان، آیه‌ای در قرآن وجود دارد؟
۳. مگر دستور حجاب برای زمانی نبوده است که زنان مسلمان، با کنیزان اشتباه گرفته نشوند؟ امروزه که این فلسفه وجود ندارد.
۴. پوشش کامل برای زن چه پوششی است؟
۵. آرایش تا چه حدی برای زنان جایز است؟
۶. چرا بانوان در نماز باید حجاب داشته باشند؟ مگر خداوند نامحرم است؟
۷. حجاب بر مردان چرا واجب نشده است؟





درآمد

پرسش، یکی از دروازه‌های رسیدن به کمالِ بینش و دانش و عمل صالح است؛ به‌ویژه اگر از سوی جوانان حقیقت‌جو و باصفایی باشد که در بهار زندگی و ابتدای راهِ رشد و بالندگی و خودسازی به‌سر می‌برند.

جوان اگر صادقانه به‌دنبال یافتن پاسخ‌هایی صحیح برای سؤال‌های خویش باشد، خداوند او را به مسیری مطمئن رهنمون خواهد کرد تا دریچه‌های علم و آگاهی برایش گشوده شده و دانسته‌هایش به نور روشنی‌بخش دل و جان خود و دیگران تبدیل شود. نوشتار حاضر مجموعه‌ای از هفت پرسش و پاسخ دربارهٔ پوشش و حجاب است که به‌دلیل اهمیت و نیاز مخاطبانِ جوان، آن‌را تهیه و تنظیم کرده‌ایم.



چرایی پوشش

فلسفه حجاب زنان چیست؟

این سؤال، در واقع، پرسش از دلیل عقلانی مسئله است. گفتنی است علت و فلسفه لزوم پوشش برای خانمها متعدد بوده که برخی از آنها عبارت است از:

۱. حفظ تعادل جامعه از نظر امنیت و آرامش روانی

یکی از غرایز خدادادی در خمیره وجودی انسان، غریزه جنسی است. این غریزه نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه آدمی است و در صورت کنترل، علاوه بر تداوم و استمرار نسل بشر، موجب امنیت روانی انسانها می‌شود. در قوانین اسلام، برای استفاده درست از این غریزه حیاتی، راهکارهای گوناگونی مطرح شده که حجاب و کشیدن حریم میان زن و مرد، یکی از راهکارهای مهم آن است. بدون شک، نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های تعریف‌نشده و بی‌بندوبار، با آرایش‌های گوناگون، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را افزایش

می‌دهد و تقاضای برهنگی را به صورت عطشی روحی و نیازی سیری‌ناپذیر درمی‌آورد. اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل داشته و تدابیر فراوانی برای تعدیل و رام کردن آن اندیشیده و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان، تکالیف خاصی معین کرده است. وظیفه مشترک زن و مرد این است که چشم خویش را از نگاه به نامحرم بپوشانند و از نگاه شهوت‌آمیز بپرهیزند؛ اما زنان، به سبب جاذبه‌های بیشتر، وظیفه خاصی دارند: بدن خود را از مردان بیگانه بپوشانند، با آرایش‌های تحریک‌آمیز در اجتماع ظاهر نشوند و به جلوه‌گری و دلربایی نپردازند تا زمینه انحراف مردان و به‌ویژه جوانان فراهم نشود. لباس افراد جامعه، به خصوص لباس زنان، نباید به هر شکل و اندازه‌ای باشد؛ بلکه باید حد و ضابطه‌ای داشته باشد. بی‌بندباری در پوشش و لباس، موجب بی‌بندباری در تحریک غریزه جنسی می‌شود. تحقیقات علمی در فیزیولوژی و روان‌شناسی، درباره تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد، ثابت کرده است که مردان در برابر محرک‌های چشمی شهوت‌انگیز، حساس‌تر



از زنان اند و به عکس، زنان به محرک‌های لمسی، حساسیت بیشتری دارند. این مزیت‌های جنسی در استعداد حسی، آموخته یا اکتسابی نیست؛ بلکه از زمان کودکی آشکار است.

اصطلاح «چشم‌چرانی» که برای این ویژگی مردان به کار می‌رود، زاییده حساسیت مردان به محرک‌های بینایی شهوانی است. دامنه و بُرد حس بینایی زیاد است و از این گذشته، بخش بسیار بزرگی از محیط در آن واحد دیده می‌شود؛ اما حس لامسه، دامنه و برد چندانی ندارد و فعالیت آن به تماس نزدیک محدود است. افزون‌براین، هورمون‌های جنسی زن دوره‌ای ترشح می‌شود و به‌طور متناوب عمل می‌کند. به‌همین علت، تأثیر محرک‌های شهوانی در زن بسیار محدود بوده و از این نظر، فعالیت زنان بسیار کم است؛ در صورتی که ترشح اندروژن‌ها در مردان یکنواخت است و هیچ عامل طبیعی آن را قطع نمی‌کند. مردان

به‌طور گسترده‌تر، تحت‌تأثیر محرک‌های شهوانی قرار می‌گیرند و از این نظر، فعال‌ترند.^۱

۲. حفظ و تحکیم بنیان خانواده

بی‌تردید، بنیان خانواده یکی از بنیادهای بسیار مقدس اجتماعی است که بشر تا به حال به خود دیده. نقش خانواده در ایجاد جامعه‌ای سالم، نقشی بی‌بدیل است و در این میان، نقش حجاب و پوشش اسلامی در سلامت و استمرار پیوند خانوادگی انکارناپذیر است. در مقابل، برهنگی، سمّ کشنده‌ای برای نظم و پیوند موجود در نهاد خانواده است. آمارهای مستند نشان می‌دهد با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی نیز در دنیا همواره افزایش داشته است؛ زیرا «هرچه دیده بیند، دل کند یاد». هر آنچه دل در مقولۀ هوس‌های سرکش بخواهد، به هر قیمتی که باشد، به دنبال آن می‌رود. به این ترتیب، هر روز

۱. نک: دکتر بهزاد محمود، تفاوت‌های زن و مرد از نظر فیزیولوژی و روان‌شناسی؛ حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی.

به دلبری جدید دل می‌بندد و با قبلی وداع می‌کند؛ اما در محیطی که حجاب حاکم است و دیگر قوانین اسلامی رعایت می‌شود، دو همسر به یکدیگر تعلق دارند و احساسات و عشق و عواطفشان مخصوص یکدیگر است. در بازار آزاد برهنگی، قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد، خانواده‌ها به‌سادگی متلاشی می‌شود و کودکان، بی‌سرپرست می‌مانند.

۳. پیشگیری از فحشا و فروپاشی نظم جامعه

گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، یکی از پیامدهای دردناک بی‌حجابی و آزادی‌های بی‌حد و حصر جنسی است. این مسئله در جوامع غربی و سایر جوامع مشابه، کاملاً مشهود است. عامل اصلی فحشا و ازدیاد فرزندان نامشروع، منحصر به فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی نیست؛ بلکه یکی از عوامل اصلی و مؤثر در این روند روبه‌رشد است. امروزه، یکی از مشکلات جوامع غربی، میزان روبه‌رشد تولد فرزندان نامشروع و بدون شناسنامه است. چنین فرزندان که پدر و مادرشان مشخص نیست و از نظر حقوقی، مشکلات فراوانی به‌بار

آورده‌اند، نظم اجتماعی جوامع غربی را تهدید می‌کنند.

۴. جلوگیری از نگاه ابزاری به زن و ابتدال وی

یکی از مسائل مطرح دربارهٔ حقوق زنان و بی‌توجهی به آنان، نگاه ابزاری به زنان است. هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواند، طبیعی است که روزبه‌روز، تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون‌تری از او دارد. در جامعه‌ای که زن را از طریق جاذبهٔ جنسی‌اش، وسیله‌ای برای تبلیغ کالاها و عاملی برای جلب جهانگردان و... قرار می‌دهند، شخصیت زن تا حد عروسک یا کالایی بی‌ارزش سقوط می‌کند و ارزش‌های والای انسانی او به کلی فراموش می‌شود. به این ترتیب، زن وسیله‌ای برای اشباع هوس‌های سرکش برخی مردان آلوده و فریب‌کار می‌شود. عنصر حجاب و پوشش اسلامی، نه تنها زن را از صحنهٔ اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی دور نمی‌کند، بلکه زمینه‌های حضور مستمر و فعال زنان را در عرصهٔ اجتماع، به همراه حقوق برخورداری از اجتماعی عادلانه تضمین می‌کند. همچنین، شخصیت



خدادادی زن را از دستبرد نگاه ابزاری دیگران مصون می‌دارد.

در روایات آمده است: المرأة ریحانة. (= زن همچون ریحانه و شاخه‌گلی ظریف است).^۱ بی‌تردید، اگر باغبان آن را پاس ندارد، از دید و دست گل‌چین مصون نمی‌ماند. قرآن کریم زنان ایده‌ال را که در بهشت جای دارند، به مرواریدی محجوب و پوشیده در صدف تشبیه می‌کند: ﴿كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾.^۲ گاه، آنان را به جواهرات اصیلی همچون یاقوت و مرجان تشبیه می‌کند که جواهرفروشان آن‌ها را در پوششی ویژه قرار می‌دهند تا همانند جواهرات بدلی، به‌آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرد و ارزش و قدر آن‌ها کاستی نپذیرد. باید توجه داشت که حیا و عفاف و حجاب زن، در نقش عاطفی و تأثیرگذاری زن در مرد مؤثر است. لباس زن موجب تقویت تخیل و عشق در مرد است و نگه‌داشتن حریم، یکی

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

۲. واقعه، ۲۳.

از راه‌های مرموز برای حفظ مقام و موقعیت زن در برابر مرد. در واقع، حجاب، هم موجب محدودیت مردان هرزه‌ای می‌شود که در صدد کام‌جویی‌های آزاد و بی‌حد و حصر هستند، هم موجب مصونیت زنان از دستِ این گروه از مردان. علاوه بر مطالب فوق، استاد مطهری در بیان اینکه چرا حجاب به زنان اختصاص یافته است، می‌گوید: «اما علت اینکه در اسلام، دستور پوشش اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی، مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی؛ همچنان‌که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی از حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود، می‌خواهد دلبری کند و مرد را دل‌باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد. بنابراین، انحرافِ تبرّج و برهنگی، از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر



گردیده است.»^۱

به عبارت دیگر، جاذبه و کشش جنسی و زیبایی خاص زنانه و تحریک‌پذیری جنس مردانه، یکی از علت‌های این حکم است. توصیه و دستور الهی به پوشش و حجاب برای زنان، به منظور ایجاد محدودیت و محرومیت و چیزهایی از این قبیل که فقط فریبی شیطانی است، نیست؛ بلکه در واقع، برای آگاهی‌دادن به گوهر ارزشمند در وجود زنان است که باید از آن مراقبت شود تا به تاراج نرود. این مطلب کاملاً معقول است که هر چیزی ارزشمندتر باشد، مراقبت و محافظت بیشتری می‌طلبد؛ زیرا باید از دست راهزنان در امان باشد و به ابزاری برای مطامع سودپرستان تبدیل نشود. به یاد داشته باشیم که غریزه جنسی، نیرومند و عمیق است و هرچه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود؛ همچون آتش که هرچه به آن بیشتر

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۸.

بدمند، شعله‌ورتر می‌شود و شهوتِ خود را به صورت عطشی روحی و نیازی اشباع‌نشده‌ی درمی‌آورد. وضعیت جهان معاصر و کشانده‌شدن عده‌ای به هم‌جنس‌بازی، نشانه آشکاری از این حالت است.

بنابراین، رعایت‌نکردن پوشش اسلامی توسط زنان، نه‌تنها از بین رفتن حساسیت مردان را به دنبال ندارد، بلکه موجب طغیان غریزه جنسی آنان نیز می‌شود.

پوشش قرآنی

آیا دربارهٔ حجاب و پوشاندن موی زنان، آیه‌ای در قرآن وجود دارد؟

اصل قانون حجاب اسلامی از ضروریات دین مبین اسلام است و هیچ مسلمانی نمی‌تواند در آن تردید کند؛ زیرا هم قرآن مجید به آن تصریح کرده است و هم روایات بسیاری بر وجوب آن گواهی می‌دهند. به‌همین دلیل، فقیهان شیعه و سنی، به‌اتفاق، به آن فتوا داده‌اند.

مقصود ما از حجاب، به‌طور مطلق، پوشش خاص مدنظر دین است؛ نه معنای اصطلاحی آن که به‌معنای پرده، حاجب، پوشیدن، پنهان کردن و منع از وصول است.^۱

دربارهٔ وجوب حجاب اسلامی برای خانم‌ها، در قرآن کریم دو آیهٔ صریح وجود دارد:

۱. در سورهٔ نور از واژه «خُمْر» استفاده شده است: ﴿وَلِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ (= و روسری‌های خود را بر سینهٔ خود افکنند تا گردن و سینه با آن پوشانده شود). ۲. در آیهٔ ۵۹ سورهٔ احزاب، از واژه «جلباب» یاد شده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ (= ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌های [یعنی روسری‌های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و آزار نبینند، بهتر است. خداوند همواره آمرزنده و رحیم است.) در

۱. نک: راغب اصفهانی، المفردات فی غرائب القرآن.



آیه اول، خُمُر جمع «خِمار» و به معنای روسری و سرپوش است.^۱ «جیوب» نیز از واژه «جیب» و به معنای قلب و سینه و گریبان است.^۲ در این آیه، خداوند پوشش بانوان را به دو شکل گسترش می‌دهد: اول، پوشیدگی سر و گردن و دوم، پوشاندن زینت‌ها.

در تفسیر مجمع البیان از علامه طبرسی چنین می‌خوانیم: «زنان مدینه، اطراف روسری‌های خود را به پشت سر می‌انداختند و سینه و گردن و گوش‌های آنان آشکار می‌شد و براساس این آیه، موظف شدند اطراف روسری خود را به گریبان‌ها بیندازند تا این مواضع نیز پوشیده باشد.»^۳

مفسّر نام‌آور سنّی، فخر رازی، یادآور می‌شود: «خداوند متعال با به‌کارگرفتن واژه‌های

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غرائب القرآن، ص ۱۵۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ص ۲۱۷.

۲. طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۸۰۷.

۳. همان.

«ضرب» و «علی» که مبالغه در القا را می‌رساند، در پی بیان لزوم پوشش کامل این نواحی است.^۱ ابن عباس در تفسیر این جمله می‌گوید: تَغَطَّى شعرها و صدرها و ترائیها و سوافها. (= زن، مو و سینه و دور گردن و نیز زیر گلوی خود را بپوشاند).^۲ پیامبر اکرم ﷺ به اسماء می‌فرمودند: «اسماء، وقتی زن بالغ شد، شایسته نیست که در برابر نامحرم، جز صورت و دست‌هایش دیده شود.»^۳

برخی ادعا می‌کنند که حجاب به معنای مقابله با برهنگی را قبول دارند؛ ولی می‌گویند در هیچ جای قرآن سخنی از پوشش مو مطرح نشده است. نادرستی این سخن، آشکار است؛ زیرا علاوه بر گفتار ابن عباس و شأن نزول آیه، این واقعیت تردیدناپذیر است که زنان مسلمان، حتی قبل از نزول این آیه نیز موهای خود را می‌پوشاندند و فقط آشکاربودن گردن

۱. التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۱۷۹.

۲. همان.

۳. ابی داود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۶۲.

و گوش و زیر گلویشان، مشکل به‌شمار می‌آید. همچنین، در آیه از روسری سخن به‌میان آمده است. باید پرسید: آیا روسری جز آنچه بر سر می‌افکنند و موها را می‌پوشانند، معنای دیگری دارد؟ افزون‌براین، حکم میزان پوشش در روایات متعددی آمده است.^۱

در آیه دوم نیز از واژه جلیباب استفاده شده است. در معنای جلیباب چنین گفته‌اند: الجلیباب القمیص او الثوب الواسع. (= جلیباب پیراهن یا هر لباسی است که بزرگ و بلند باشد). یا: الجلیباب ثوب اوسع من الخمار دون الرداء تُغطی به المرأة رأسها و صدرها. (= جلیباب لباسی است بزرگ‌تر از روسری و مقنعه و کوچک‌تر و کوتاه‌تر از عبا که زن سر و سینه خود را با آن می‌پوشاند).^۲

در مجمع البیان و تفسیر تبیان، اثر شیخ طوسی، چنین آمده است: «جلیباب روسری

۱. نک: فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۳۰ و ۴۳۱.

۲. نک: مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ سیدعلی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۴۱ و ۴۲؛ علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۶۱.

خاصی است که بانوان هنگامی که برای کاری از منزل خارج می‌شوند، سر و روی خود را با آن می‌پوشانند.^۱ نزدیک‌ساختن جلباب، یدنین علیهنّ من جلابیهنّ،^۲ کنایه از پوشاندن چهره و سر و گردن با آن است؛ یعنی چنان نباشد که چادر یا روپوش‌های بزرگ (مانتو) فقط جنبه تشریفاتی و رسمی داشته باشد و همه پیکرشان را نپوشاند. سزاوار است زنان چنان چادر نپوشند که نشان دهد اهل پرهیز از معاشرت با مردان بیگانه نیستند و از نگاه چشم‌های نامحرم نمی‌پرهیزند. چنین زنانی از مصادیق «کاسیات عاریات»^۳ شمرده می‌شوند: زنانی که ظاهراً پوشیده هستند؛ ولی درواقع برهنه‌اند.^۳

۱. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۶۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۵۷۸.

۲. همان، ص ۵۸۰؛ علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۱.

۳. روی عن رسول الله ﷺ: صنفان من اهل النار لم أرهما قوم معهم سیاط كأذنان البقر يضربون بها الناس و نساء کاسیات عاریات، مملات مائلات، روهن کاسمة البخت المائلة... ری شهری، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۲۵۹.

قرآن چنین فرمان می‌دهد: «بانوان، با مراقبت، جامه‌شان را بر خود گیرند و آن‌را رها نکنند تا نشان دهند اهل عفاف و حفظ به‌شمار می‌آیند.» تعلیل پایانی آیه نیز بیانگر همین موضوع است؛ یعنی پوششی مطلوب است که خودبه‌خود، «دور باش» ایجاد می‌کند و ناپاک‌دلان را نومید می‌سازد.^۱ بنابراین، جلباب لباسی گشاد و پارچه‌ای است که همه بدن را می‌پوشاند. علاوه‌براین، همان‌طور که مفسران بزرگی مانند شیخ طوسی و علامه طبرسی فرموده‌اند، در گذشته دو نوع روسری برای زنان معمول بود: روسری‌های کوچک که آن‌ها را خمار یا مقنعه می‌نامیدند و معمولاً در خانه از آن‌ها استفاده می‌کردند و روسری‌های بزرگ که مخصوص بیرون خانه بود. زنان با این روسری‌های بزرگ که جلباب خوانده می‌شد و از مقنعه بزرگ‌تر و از ردا (عبا) کوچک‌تر بود و به چادر امروزی شباهت داشت، مو و تمام بدن خود را می‌پوشاندند.

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

حکم عصری یا ابدی

دستور حجاب برای زمانی بوده است که زنان مسلمان، با کنیزان اشتباه گرفته نشوند و امروزه، این فلسفه وجود ندارد. آیا این ادعا درست است؟

برخی، از آیه ۵۹ سوره احزاب چنین برداشتی داشته‌اند؛ زیرا بعد از آنکه خداوند زنان را به استفاده از جلباب امر کرد، فرمود: ﴿ذَلِكَ اَدْنٰى اَنْ يَعْرِفْنَ فَلَآ يُوْذَنَ﴾ (= این نزدیک‌ترین راهی است که شناخته شوند آزادند، نه کنیز؛ برای آنکه آزار و اذیت نشوند.) حقیقت این است که اگر کسی به متون روایی و تاریخ اسلام رجوع کند، به راحتی درمی‌یابد همان‌طور که نماز و روزه به دورانی خاص اختصاص ندارد، دستور پوشش نیز چنین است و ادعای عصری بودن آن، بی‌دلیل و غیرکارشناسانه است. در این آیه، یکی از علت‌های وجوب حجاب، این‌گونه بیان شده است: زن بی‌حجاب، همچون کنیزان آن زمان، در معرض مزاحمت و هتک حیثیت قرار دارد. درمقابل، زنی که پوشش مناسب و باوقاری دارد، وقتی از خانه بیرون می‌رود،



فاسدان و مزاحمان و بیماردلان جرئت هتک آبروی او را پیدا نمی‌کنند. درواقع، وی را طعمه‌ای مناسب برای شکار خود نمی‌بینند؛ زیرا حریم دارد. پس در این آیه، دلیل حکم حجاب بیان شده است و آن علت، امروزه نیز وجود دارد.

چگونگی پوشش

پوشش کامل برای زن، چه پوششی است؟

دربین فلسفه‌های ذکرشده برای حجاب، دو فلسفه نقش اساسی‌تری دارد که به‌طور کامل با یکدیگر مرتبط است: ۱. مصونیت زن در برابر طمع‌ورزی‌های هوس‌بازان؛ ۲. پیشگیری از تحریکات شهوانی خارج از ضوابط و هنجارهای الهی و تأمین سلامت و بهداشت معنوی جامعه. حجاب با این نقش و کارکرد مهم و اساسی، پیامی قاطع با خود دارد و آن این است که در برابر همهٔ مردان اجنبی، نوعی هشدار و اعلام «دور باش» می‌دهد. عوامل مؤثر در



رساندن این پیام و اثرگذاری آن عبارت است از:

۱. حدود و میزان پوشش

بدون شک، هر اندازه بدن زن پوشیده‌تر باشد، نقش نیرومندتری در دورسازی دیدگانِ نظاره‌گر ایفا می‌کند. اگر نگاه‌های آلوده را همچنان که در روایات آمده است، «تیرهای زهرآلود شیطان» بدانیم، پوشش زن همانند قوسی است که تیر از آن کمانه می‌کند و منحرف می‌شود و از اصابت و نفوذ در هدف باز می‌ماند. به‌عکس، هر اندازه بدن زن برهنه‌تر باشد، تیرهای شیطانی را بیشتر متوجه خود می‌سازد و از آن‌ها آسیب می‌بیند. از این‌رو، چادر را حجاب برتر شناخته‌اند؛ زیرا با وجود چنین مسائلی، بیشترین پوشش و مطمئن‌ترین مصونیت را ایجاد می‌کند.

۲. کیفیت پوشش

میزان ضخامت و حتی کیفیت دوخت لباس، بخش مهمی از حجاب را تشکیل می‌دهد. بدون

شک، لباس‌های نازک و تنگ و بدن‌نما، فرودگاه پیکان مسموم شیطان و موجب خیره‌شدن چشم‌های هرزه و آلوده و به‌فساد‌کشانندهٔ جامعه است. درمقابل، لباس‌های غیربدن‌نما، دیده‌ها را از زن دور می‌سازد و سلامت معنوی او را تأمین می‌کند.

۳. رنگ‌ها

برخی رنگ‌ها دیده‌ها را خیره می‌کند و برخی دیگر، نگاه‌ها را از خود می‌رانند و دور می‌سازد. درعین‌حال، عالمان دین درزمینهٔ رنگ‌ها تأکید چندانی نکرده‌اند؛ ولی بر این مسئله پای می‌فشارند که لباس نباید موجب جلب‌توجه و عواقب سوء ناشی از آن باشد. ازاین‌روست که در طول تاریخ، زنان مسلمان به میل خود، خارج از خانه و درون جامعهٔ عمومی، لباس مشکی را برای حجاب برگزیده‌اند. پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام نیز این سنت حسنه را پذیرفته و بیان کرده‌اند؛ زیرا این‌گونه، زنان امنیت و مصونیت بیشتری احساس می‌کنند.

گاهی می‌گویند لباس مشکی از نظر اسلام مکروه است؛ حال آنکه هیچ فقیهی به کراهت



چادر و عبای مشکی فتوا نداده است. در خودِ روایت نیز چادر و کفش مشکی استثنا شده است. گاهی شبیه کرده‌اند که چادر مشکی پوکی استخوان می‌آورد و آرامش روانی را برهم می‌زند. اگر چنین بود، خانم‌هایی که هشتاد سال از چادر مشکی استفاده کرده‌اند، باید از پای درآمدند؛ حال آنکه هیچ آمار علمی که گواه بر گفته‌های آنان باشد، دردسترس نیست. به نظر می‌رسد پوشش کامل، پوششی است که هیچ چشم بیگانه‌ای را متوجه خود نکند؛ یعنی لباسی باشد که برجستگی‌های اندام زن را اصلاً نشان ندهد و اسباب تحریک شهوت مردان را فراهم نکند. زن نیز با آرایش در جامعه ظاهر نشود.

خودنمایی یا خودآرایی

آرایش تا چه حدی برای زنان جایز است؟

در خصوص آرایش و زینت، این پرسش مهم مطرح است که آیا مفهوم آن، واژه «زیور» (زینت‌های

جدا از بدن، مانند جواهرات) را نیز دربر می‌گیرد یا فقط آرایش‌های متصل به بدن مانند سرمه و خضاب را شامل می‌شود؟ در پاسخ باید گفت حکم کلی آن است که خودآرایی جایز است؛ ولی خودنمایی درمقابل نامحرم، ممنوع. آرایش، پدیده‌ای فطری و طبیعی است.

بنابراین، خداوند زینت و خودآرایی را نهی نمی‌کند. آنچه در شرع مقدس ممنوع شده، تبرج و خودنمایی و نیز تحریک و تهییج از طریق آشکارساختن زینت در محافل اجتماعی است؛ چنان که خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾^۱ و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾^۲ این آیه، زنان عرب را از کوبیدن پاهایشان بر زمین نهی می‌کرد. زنان عرب معمولاً خلخال به پا می‌کردند و برای اینکه نشان دهند خلخال گران‌بهایی دارند، پای خود را محکم بر زمین می‌کوبیدند. فقیه بزرگوار، علامه مطهری، می‌گوید: «از این دستور

۱. احزاب، ۳۳.

۲. نور، ۳۱.

می‌توان فهمید هر چیزی که موجب جلب توجه مردان می‌گردد، مانند استعمال عطرهای تند و همچنین آرایش‌های جالب نظر در چهره، ممنوع است. به‌طور کلی، زن در معاشرت نباید کاری کند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد.»

خداوند در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: ﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ (= زنان مؤمن زینت‌های خود را در مقابل نامحرم، آشکار نمی‌سازند؛ مگر زینت‌هایی که به‌خودی‌خود آشکار است.) پس زینت‌های زن دو گونه است: اول، زینتی که مانند لباس، سرمه، زیر ابرو، رنگ ابرو (به‌طور متعارف)، آشکار است و پوشانیدن آن واجب نیست و دوم، زینتی که پنهان است؛ مگر آنکه فرد عمداً بخواهد آن را آشکار سازد؛ مانند گوشواره و گردن‌بند. پوشانیدن این نوع زینت و زیور واجب است.^۱

۱. نک: مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.



تاکنون، مسئله آرایش و زیور درمقابل نامحرم را بیان کردیم. گفتنی است درمقابل افراد محرم، به‌ویژه شوهر، این محدودیت وجود ندارد.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۳۲ از سوره اعراف می‌فرماید: «خدای متعال در این آیه^۱ زینت‌هایی را معرفی می‌کند که برای بندگانش ایجاد کرده و آنان را فطرتاً به‌وجود آن زینت‌ها و استعمال و استفاده از آن‌ها ملهم کرده است و روشن است که فطرت، جز به

۱. ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (ای فرزندان آدم، زینت خود را به‌هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید و بخورید و بیاشامید؛ ولی زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد. ای پیامبر، بگو زیورهایی که خدا برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو این نعمت‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت نیز مخصوص آنان است. این‌گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌دانند، به‌روشنی بیان می‌کنیم.)

چیزهایی که وجود و بقای انسان نیازمند آن است، الهام نمی‌کند.»^۱ حس زیبایی دوستی سرچشمهٔ پیدایش انواع هنرها در زندگی بشر است. این گرایش طبیعی، افزون بر آنکه در دیگران آثار مثبت روانی پدید می‌آورد، به تحقق آثار گران‌بهای روانی در شخص آراسته نیز می‌انجامد. آراستن خود و پرهیز از آشفتگی و پریشانی، در نظام فکری و ذوق سلیم انسان ریشه دارد. پرهیز از خودآرایی، نه دلیل وارستگی از قید نفس است، نه علامت بی‌اعتنایی به دنیا. وضع ژولیده و آشفته و مراعات‌نکردن تمیزی و نظافت ظاهری، خودبه‌خود، شخصیت افراد را در نگاه دیگران خوار می‌سازد و زبان طعن و توهین دشمن را می‌گشاید. براین اساس، پوشیدن جامه‌ای زیبا، بهره‌گیری از مسواک و شانه، روغن‌زدن به مو و گیسوان، معطر بودن، انگشتر به دست کردن و سرانجام، آراستن خویش هنگام عبادت و معاشرت با محرمان، از

۱. نک: علامه طباطبایی، المیزان، ج ۸، ص ۷۹.

مستحبات مؤکد و برنامه‌های روزانه مسلمانان است.

امام حسن مجتبی علیه السلام بهترین جامه‌های خود را در نماز می‌پوشیدند و در پاسخ کسانی که سبب این کار را می‌پرسیدند، می‌فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يَحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي**. (= خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. پس خود را برای پروردگارم زیبا می‌سازم).^۱ در کتاب‌های حدیثی ما نیز ابواب مفصلی درباره استحباب این مسئله وجود دارد. برای اطلاع بیشتر در این باره، می‌توانید به صفحات ۱۲ و ۵۳ و ۹۱ تا ۱۰۷ از کتاب *حلیة المتقین* نوشته علامه مجلسی مراجعه کنید.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴ و ۳، ص ۶۷۳.



حجاب در نماز

چرا بانوان در نماز باید حجاب داشته باشند؟ مگر خداوند نامحرم است؟

از آنجاکه در این پرسش، مسئله نماز مطرح است و اساس بسیاری از احکام نماز و سایر عبادت‌ها، فراخوان بشر به تعبّد و اظهار بندگی در برابر پروردگار است، فقط در حدّ فهم خود می‌توانیم پاسخ دهیم. دستیابی به علت و فلسفه احکام عبادی، بسیار مشکل است و همه آن‌ها حکمت و علت خاصی دارد. از این‌رو، پی‌بردن به همه آن اسرار برای ما میسر نیست. به هر حال، حجاب و پوشش بانوان در نماز، علت‌ها و فلسفه‌های متعددی دارد؛ از جمله:

۱. این کار، نوعی تمرین مستمر و روزانه، برای حفظ حجاب بوده و یکی از عواملی است که در پاسداشت دائمی پوشش اسلامی زن و جلوگیری از آسیب‌پذیری آن، نقش مهمی ایفا می‌کند. همان‌گونه که هر عبادتی مانند نماز، تعلیم و تمرین یاد خداوند سبحان و بازگشت به سوی او در آخرت و تزکیه و تربیت خود برای زندگی ابدی است، حجاب زن در نماز نیز

آموزش و تمرین و تذکر پوشش عفیفانه اوست. همان پوشش به غیر از نماز نیز باید در برابر نامحرم رعایت شود. نماز آموزشگاه معارف و نیازهای بسیار مهم و حیاتی انسان و پرورشگاه ایمان و تقوا و اخلاق انسانی و الهی، به‌ویژه عفاف و حجاب، است. نماز مظهر حقیقت و سیمای ملکوتی دین اسلام است. نماز آیینه دین الهی است. خداوند حکیم تمام معارف و قوانین مهم و ریشه‌ای و مسائلی که حیات معنوی و اخلاقی و سعادت دنیوی و اخروی انسان و جامعه را تأمین می‌کند، به‌طور اجمالی و کلی، در نماز مقرر کرده است.

۲. داشتن پوشش کامل در پیشگاه خداوند، نوعی ادب و احترام به ساحت قدس ربوبی است. از این‌رو، برای مرد نیز ستر عورت واجب است و در برداشتن عبا و پوشاندن سر در نماز، مستحب. همین ادب حضور در پیشگاه الهی، زمینه‌ساز حضور معنوی و باریافتن به محضر حق می‌شود. رعایت این ادب برای زنان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا به‌طور معمول، آنگاه که زنان در برابر بزرگی قرار می‌گیرند، در ابتدا، وقار و حجاب خود را حفظ می‌کنند. البته حکم

پوشش در نماز با حفظ حجاب در برابر نامحرم تفاوت‌هایی دارد؛ مثلاً پوشاندن روی پا در برابر نامحرم، واجب است؛ ولی در نماز، بدون حضور نامحرم، واجب نیست.

۳. زن مظهر حیا و عفاف و حیا نیز جلوه‌گاه حریم است و والاتر از حریم خدا، حریمی وجود ندارد. پس باید در برابر عظمت کبریایی اش با حیا و با عفت باشیم تا حدّ بندگی خود را نشان دهیم. هرچند رعایت عفت و حیا برای مردان نیز لازم است، برای زنان ضرورت محوری دارد. اصولاً زنان مظهر زیبایی و لطافت و ظرافت در خلقت هستند. آنان مرواریدهایی گران‌بها و زیبا هستند که خداوند، به سبب هنرنمایی خود، آنان را خلق کرده و هیچ‌گاه نمی‌خواهد از ارزش آنان کاسته شود. این مخلوق و گوهر ارزشمند هرچه پرده‌نشین و دارای ناز و کناره‌گیر از بازارهای عمومی باشد، بر قدر و منزلتش افزوده می‌شود. به همین دلیل، خدای سبحان تمام بدن او را واجب‌الستر دانسته و در هر حال، احترامش را واجب شمرده است. حتی وقتی خداوند می‌خواهد از خصوصیات و اهمیت و ارزش حوری‌های بهشتی

بگویند و از آنها تعریف کند، می‌فرماید: ﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾. (= حوریانی پرده‌نشین در دل خیمه‌ها)؛^۱ یعنی ارزش آنها به این است که اختصاصی و پرده‌نشین هستند و در دسترس عموم قرار ندارند.

حال، با توجه به این خصوصیات حیرت‌آور و منحصر به فرد، مسلماً این احترام و متانت و وقار در نماز و مقابل خداوند، سزاوارتر است و فقط مسئله محرم و نامحرمی مطرح نیست.

پوشش مردان

چرا حجاب بر مرد واجب نشده است؟

درباره مردان این‌گونه نیست که نوع پوشش آنان به هر صورتی جایز باشد و با هر نوع

لباسی از خانه بیرون آیند؛ بلکه مردان نیز محدودیت‌های خاصی در زمینه پوشش دارند. اما محدوده پوشش آنان، به علت حضور بیشتر در اجتماع و کارهای سخت و اینکه زن مظهر جمال و زیبایی و مرد موتور محرکه اقتصاد در جامعه است، با زنان متفاوت است. علاوه بر این، همان‌طور که شهید مطهری می‌گوید، میل به خودنمایی و خودآرایی، مخصوص زنان است و از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی؛ همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. زن به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دل‌باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد.

در عین حال، اسلام برای مردان نیز پوششی در حد معقول قرار داده است و آنان آزادی بی‌حد و حصری در پوشش ندارند. افزون بر این، اسلام آنان را بر حفظ نگاه از نامحرم و کنترل شهوت در نگاه تکلیف کرده است. کنترل نگاه برای مردان، در مقایسه با زنان، سخت‌تر است. برای توضیح بیشتر، ذکر دو نکته ضروری است: ۱. بسیاری از فقها فرموده‌اند که زن نباید



به بدن لخت مرد نامحرم، به جز سر و صورت و گردن، نگاه کند. این حکم، دلیل قطعی دارد که در جای خود بیان شده است؛ ۲. ممکن است نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام باشد؛ ولی پوشش آن برای مرد واجب نباشد. همان گونه که نگاه مرد به صورت و دست‌های زن از روی شهوت حرام است؛ ولی پوشش آن برای زن واجب نیست.

اکنون این پرسش پیش می‌آید: اگر مردی با این وضعیت بیرون آید و بداند زنان از روی عمد و لذت به بدنش نگاه می‌کنند، آیا از نظر شرعی مرتکب گناه شده است؟ برخی به حرمت فتوا داده و مردان را از این عمل نهی کرده‌اند. اصلی‌ترین مستند و مبنای این حکم قاعده فقهی «اعانه بر اثم» است که در فقه، کاربرد فراوانی دارد. معنای این قاعده آن است که هر کس زمینه تحقق و پیاده‌شدن گناه را برای دیگری فراهم سازد، خود نیز مانند انجام‌دهنده آن، گناهکار است. برخی فقها نیز معتقدند دلیل و قاعده فقهی، «تعاون بر اثم» است، نه «اعانه بر اثم».

طبق قاعده دوم، اگر مرد با لباس آستین کوتاه و به قصد این بیرون آید که زنان به او نگاه

کنند، شریک گناه شده و قاعده فقهی درباره او پیاده می‌شود؛ اما اگر به این انگیزه نباشد، اشکالی ندارد. به هر صورت، برای مرد مؤمن سزاوار نیست با لباس نامناسب در اجتماع حاضر شود و در مواقعی که مفسد خاصی بر آن مترتب شود، به فتوای فقها، حرام است. توصیه می‌کنیم که در جزئیات مسئله، به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

نکته آخر

مسئله حفظ پوشش و ایجاد مزاحمت نکردن برای بانوان، فقط توصیه‌ای اخلاقی نیست؛ بلکه حکمی اسلامی و حکومتی به‌شمار می‌آید. خداوند در ادامه آیه حجاب در سوره احزاب می‌فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُحَارِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ (= اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در شهر نگرانی به وجود می‌آورند، از کارهای خود دست برندارند، ما تو را ضد آنان خواهیم برانگیخت و تو را بر آنان سخت مسلط



می‌کنیم تا جز مدتی اندک، در همسایگی تو زندگی نکنند.)

در نتیجه، همان‌گونه که امر به همه معروف‌ها و نهی از همه منکرها، بر مؤمنان و بر حکومت اسلامی واجب است، درباره مسئله حجاب نیز این قاعده کلی و شرعی جاری است و جایز نیست هیچ‌کس در مقابل آن بی‌اعتنا باشد یا آن را کوچک و بی‌اهمیت شمارد.

زنان باید توجه داشته باشند که خداوند بر احکام خویش غیرت دارد و هیچ‌گاه به ترک دستورهای خود راضی نمی‌شود. اصلاً مسئله این نیست که بیرون گذاشتن چند تار مو چه اهمیتی برای خداوند دارد. مهم این است که نافرمانی چه خدای بزرگی انجام می‌شود؛ علاوه بر اینکه فواید اجرای دستورهای خداوند به خود انسان و جامعه انسانی می‌رسد. به روشنی می‌توان نتیجه گرفت آنچه خداوند حلال کرده است، خوبی و خوشی را برای مردان و زنان جامعه ما به ارمغان خواهد آورد و آنچه حرام کرده است، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سلامتی و آرامش آدمی را به خطر خواهد انداخت و پشیمانی و پریشانی در پی خواهد داشت.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.